

نشست خبری دهمین سال تاسیس باشگاه فیلم سوره، صبح دیروز پنجم شهریور در محل این نهاد برگزار شد. محمد جواد موحّد، مدیرعامل باشگاه فیلم سوره در این نشست عنوان کرد: به تازگی وارد دهمین سال تاسیس باشگاه فیلم سوره شده‌ایم و طی این مدت قریب به ۷۵۰ اثر کوتاه و بلند خروجی داشته‌ایم. مهم‌تر از این آثار، فیلمسازانی هستند که این آثار را ساخته‌اند و در مسیر تربیتی باشگاه قرار گرفته و وارد فضای حرفه‌ای سینما

باشگاه فیلم سوره ۱۰ ساله شد

شدند. مسیری که طراحی کرده بودیم، اتفاق افتاده است در ادامه هم مسیر تربیت نیرو قوت گرفت، مثلاً محسن زهتابیچیان، حسین دارابی و ... از محصولات این طرح هستند. ما در این سال‌ها تقریباً در جشنواره‌های مهم کشور حضور داشته‌ایم و همواره آثارمان جزو فیلم‌های مهم بوده‌اند. نبود فضای برای انتقال تجربه مشکلی است که بچه‌های فیلمساز با آن مواجه هستند و باشگاه فیلم سوره در نظر دارد فضایی برای انتقال

تجربه ایجاد کند. وی افزود: به نظرم مسیری که در این مدت انتخاب کرده‌ایم قابل احترام، اتکا و نتیجه‌بخش بوده است. مادر سه سال اخیر نزدیک ۸۵ اثر مثل سه فیلم سینمایی، دو سریال و بسیاری فیلم کوتاه تولید کرده‌ایم. ۱۱ تهیه‌کننده در اینجا فرصت کردند تهیه‌کنندگی کنند و این مسیر را یاد بگیرند به طوری که الان به سطح حرفه‌ای رسیده‌اند. چند ماهی است که داریم به مشاغل دیگر سینمایی هم فکر می‌کنیم.



در گفت‌وگو با سیاوش صفاریان پور، کارگردان مستند «کاپیتان من» مطرح شد

سند تصویری از اسرار مغز انسان

ساناز قنبری | گروه فرهنگ و هنر | جامعه پزشکی در این روزها شاهد یک رویداد کم‌نظیر فرهنگی و نویسندگی دکتر رضا پناهی است که با نقش‌آفرینی بهرام رادان روایت می‌شود. سوره

این مستند در قالب مستند سینمایی به تصویر کشیده شده و در آن متخصصان و پزشکان معتبر مغز و اعصاب و متخصصان علوم شناختی، آخرین یافته‌های علمی از فرمانده بدن انسان را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهند. در گفت‌وگویی با سیاوش صفاریان پور درباره شکل‌گیری ایده این مستند، دغدغه‌های او درباره ساخت اثر و نحوه مواجهه‌اش با سوره، صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

گفت‌وگو را با این پرسش آغاز می‌کنم که چرا نام کاپیتان من را برای این مستند انتخاب کردید و در آن به چه موضوعاتی در جهان شگفت‌انگیز مغز پرداخته‌اید؟

در این مستند مغز را به کاپیتان تشبیه کردیم؛ کاپیتانی که مثل هر کاپیتان دیگری می‌تواند در کنار توانایی راهبری یک گروه بزرگ خطا کند و در طول زمان بهتر شود. مغز به دلیل مسئولیت‌های درونی‌اش مثل فکر کردن و تحلیل کردن، بسیار پیچیده و در عین حال پُرخطا عمل می‌کند. به همین دلیل می‌توانیم آن را به کاپیتان تیم فوتبال، خلبان یا کاپیتان دریانوردی تشبیه کنیم که با پذیرش خطاهایش، همچنان قابل اعتمادترین است.

چه مدت زمان صرف ساخت این مستند کردید؟ حدوداً ۵-۴ سال.

چرا آن قدر طولانی شد؟

مونتاز کار زمانبر بود. در دوران کرونا بخش زیادی از پروژه متوقف شد. همچنین در طول ساخت با این پرسش اساسی مواجه بودیم که قرار است در مدت‌زمان کوتاه یک فیلم سینمایی به چه چیزی از مغز بپردازیم. در آغاز، یک فیلمنامه اولیه داشتیم که براساس آن فیلمبرداری را شروع کردیم اما در گذر زمان، متوجه شدیم که با مفهوم مجهولی مواجه هستیم که معادل‌سازی آن برای مخاطب آسان نیست و خیلی وقت‌ها مهم می‌شود. بنابراین دائماً فیلمنامه را تغییر دادیم و حتی جایی تصمیم گرفتیم که پروژه را روی میز مونتاز پیش ببریم تا خلأهای فیلم را ببیایم. بهرام رادان هم مشتاق

بود که این مستند متفاوت از مستندهای سخت علمی متداول بوده و حالتی کسل‌کننده نداشته باشد. چون عبارت مستند و به خصوص مستندهای ایرانی، برای مخاطب عمومی به نادرست، اثری پیچیده و فاقد جذابیت تلقی می‌شود. علم هم کم و بیش همین‌گونه است. مخاطب عمومی فکر می‌کند یک فیلم علمی آن قدر جذاب نیست که به خاطرش به سالن سینما برود. به همین دلایل ما پیوسته فیلمنامه را تغییر می‌دادیم و سکانس‌هایی را از آن حذف یا به آن اضافه می‌کردیم که بتوانیم یک فیلم ۷۵ دقیقه‌ای جذاب از آن استخراج کنیم که تماشاگر از تماشای آن در سالن سینما خسته نشود.

پس به نظر می‌رسد پژوهش و مطالعات کاملی برای این مستند انجام دادید. روند کارهای پژوهشی‌تان را توضیح می‌دهید؟

بله، در تولید این مستند، گروهی از متخصصان علوم شناختی در ستاد علوم و فناوری‌های شناختی با ما همکاری می‌کردند. سرپرست این تیم دکتر رضائپناهی همراه با مهرداد نعیمی نویسنده فیلم، فرآیند پژوهش و نگارش نریشن‌ها (گفتار، فیلم) را انجام دادند. در این فرآیند بهرام رادان حضور پر رنگی داشت و از همه تجارب سینمایی و شناخت مخاطب سینما برای جذاب شدن فیلمنامه کمک گرفت اما مسأله اصلی‌ما، تبدیل کردن مفاهیم پیچیده به اشکال ساده در بیان تصویری بود.

به عنوان مثال، توصیف مسأله‌ای به نام «حافظه» اصلاً آسان نیست. بیان تصویری پدیده حافظه باید چگونه باشد که در ضمن تماشایی بودن به مفهوم علمی اصلی وفادار بماند. مثلاً می‌دانیم برای یاد آوردن موضوعی به گنجینه حافظه‌مان رجوع می‌کنیم و آن موضوع در ذهن ما تبدیل به روایت داستانی می‌شود که برای دیگران به عنوان

برش



همکاری پزشکان و متخصصان در این مستند

راستش دائم نگران بودم که جادوی حضور یک سوپراستار یا ستاره سینما، حضور متخصصان را پیش چشم تماشاگران تحت تاثیر قرار دهد اما امروز وقتی در سالن نمایش عکس‌العمل مردم را می‌بینم به این نتیجه می‌رسم که نگرانی‌ام بی‌مورد بود. مخاطبان نسبت به تخصصانی که در فیلم هستند حس همدلی و قدردانی دارند و آنها را راهی برای بالا رفتن آگاهی‌شان می‌بینند. تخصصانی که در فیلم حضور دارند یا متخصصان مغز و اعصاب هستند یا متخصصان علوم‌شناختی در رشته‌های مختلف (روان‌شناس، روانپزشک و...)، همه این متخصصان در تخصص‌شان شاخص و از نظر علمی قابل اعتنا هستند. خیلی خوشحالم که همگی خود را در اختیار روایت واحد این مستند قرار دادند. روایتی که ما از پیش مشخص کرده بودیم که از چه نقطه‌ای شروع و به چه نقطه‌ای ختم شود، بنابراین تمام متخصصان با وفاداری به فیلمنامه و مفاهیم علمی حتی در زمینه‌های مشورتی ما را همراهی کردند. فراموش نکنیم که در «کاپیتان من» آزمایشگاه‌ها و همچنین تخصصانی را می‌بینیم که در مرزهای فناوری و دانش کار می‌کنند. اینها را اغراق شده در مستند به تصویر نکشیدیم، بلکه عیناً و به شکلی واقعی می‌بینیم که آنها در چه زمینه‌هایی کار می‌کنند. از نکات قابل توجه در این مستند این است که نشان می‌دهد در ایران تخصصانی حضور دارند که با بهترین ابزارهایی که در دنیا وجود دارد روی مغز پژوهش می‌کنند.

یک خاطره تعریف می‌کنیم. مسلمان توصیف این روند بسیار پیچیده است. در جلسات اتاق فکری که برای نگارش فیلمنامه تشکیل می‌دادیم به این نتیجه رسیدیم که مثلاً یک خاطره شبیه یادکنکی می‌ماند که وقتی یاد می‌شود خاطره را به یاد می‌آوریم و وقتی خالی می‌شود، یادکنک حذف نمی‌شود بلکه می‌رود داخل قفسه خودش در گنجینه حافظه‌مان جا می‌گیرد. وقتی مجدد خاطره‌ای را به یاد می‌آوریم، یادکنک دوباره بیرون می‌آید و دوباره یاد می‌شود اما حجم یاد شدنش الزاماً به اندازه دفعه پیش نیست! ممکن است به شکلی اغراق شده بزرگ‌تر از دفعه پیش شده یا ممکن است کوچک‌تر شود. پس ما تقریباً هیچ چیز را مثل اصل یک رخداد به یاد نمی‌آوریم. وقتی ما به این توصیف از حافظه رسیدیم، نیاز بود چیزهای مختلف را نست کنیم. ممکن بود بتوانیم برای مقوله به یاد آوردن، مثال‌های دیگری هم به دست بیاوریم اما آوردن مثالی ساده که حتی کودکان هم متوجه آن بشوند و در حافظه تماشاگر جایباید سخت‌ترین بخش این ماجرا بود. ما می‌دانستیم که فراراست‌راجمع به فرایند کودکی، پیری، عاشقی، آزاربیم چیزهای دیگر صحبت کنیم که مرتبط با مغز است اما سؤال اصلی این بود که چگونه باید این مسائل را روایت کنیم یا چگونه باید این مسائل را تصویرسازی کنیم! تبدیل یک مفهوم علمی به تصویر سخت‌ترین بخش ساخت این مستند بود و از آن دشوارتر ایجاد رابطه منطقی میان اجزای

روایت فیلم. نیاز بود چیزهای مختلف را نست کنیم. ممکن بود بتوانیم برای مقوله به یاد آوردن، مثال‌های دیگری هم به دست بیاوریم اما آوردن مثالی ساده که حتی کودکان هم متوجه آن بشوند و در حافظه تماشاگر جایباید سخت‌ترین بخش این ماجرا بود. ما می‌دانستیم که فراراست‌راجمع به فرایند کودکی، پیری، عاشقی، آزاربیم چیزهای دیگر صحبت کنیم که مرتبط با مغز است اما سؤال اصلی این بود که چگونه باید این مسائل را روایت کنیم یا چگونه باید این مسائل را تصویرسازی کنیم! تبدیل یک مفهوم علمی به تصویر سخت‌ترین بخش ساخت این مستند بود و از آن دشوارتر ایجاد رابطه منطقی میان اجزای

روایت فیلم. نیاز بود چیزهای مختلف را نست کنیم. ممکن بود بتوانیم برای مقوله به یاد آوردن، مثال‌های دیگری هم به دست بیاوریم اما آوردن مثالی ساده که حتی کودکان هم متوجه آن بشوند و در حافظه تماشاگر جایباید سخت‌ترین بخش این ماجرا بود. ما می‌دانستیم که فراراست‌راجمع به فرایند کودکی، پیری، عاشقی، آزاربیم چیزهای دیگر صحبت کنیم که مرتبط با مغز است اما سؤال اصلی این بود که چگونه باید این مسائل را روایت کنیم یا چگونه باید این مسائل را تصویرسازی کنیم! تبدیل یک مفهوم علمی به تصویر سخت‌ترین بخش ساخت این مستند بود و از آن دشوارتر ایجاد رابطه منطقی میان اجزای

بهرام رادان اصرار داشت علاوه بر تهیه‌کنندگی این مستند در جایگاه راوی هم حضور داشته باشد؟

به پیشنهاد د عوت من بود که بهرام رادان قبول کرد به عنوان راوی در این مستند حضور داشته باشد. به نظر راوی چنین مستندی باید جوان، باهوش، ماجراجو و زیرک با چشمانی کنجکاو به نظر می‌رسد و همه این ویژگی‌ها در بهرام رادان به درستی وجود داشت. رادان علاوه بر این‌که یک ستاره سینماست دغدغه کنجکاوی و فهم موضوعات علمی را هم دارد. به همین علت چه بستری بهتر از یک مستند علمی آن‌هم درباره مغز انسان که بتوان روی آن کار کرد. راوی فیلم کسی است که تمایل دارد بفهمد مغزش چطور کار می‌کند، چطور فکر می‌کند و چگونه دچار فراموشی می‌شود و... بهرام رادان میل فراوانی داشت که بیشتر از مغز خودش بداند.

در واقع سوره مغز انسان برای بهرام رادان کم‌کم تبدیل به یک



جست‌وجویی شخصی شد. رادان به بنده در مقام یک مستندساز علمی اعتماد کرد که البته به نظرم این تغییر جاده حرفه‌ای در دنیای سینما تصمیم آسانی نبود. مسلماً برای یک ستاره سینما تصمیم سختی است که از قالب همیشگی خود خارج شود و در یک فرآیند تولید در یک مدیوم سینمایی متفاوت شرکت کند. یک سوپراستار در فیلم‌های داستانی بر اساس فیلمنامه چند جلسه نقشی را بازی می‌کند، اما در چنین مستندی وضعیت کاملاً متفاوت است. حتی جالب است بدانید در طول ساخت فیلم گاهی انتظار داشتیم که بهرام رادان بگوید می‌خواهم بروم سر پروژه‌های دیگرم و همکاری‌اش را به عنوان راوی یا ما قطع کند اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد و تا پایان سختکوشانه در کنار تهیه‌کنندگی به عنوان راوی فیلم همراه پروژه بود.

این مستند را برای تبلیغ و با سفارش نهادهی خاص ساختید؟ خیر، ابتدا ستاد علوم و فناوری‌های شناختی به من پیشنهاد ساخت این مستند را داد. در واقع ایده اصلی این فیلم از طرف این نهاد داده شد و با حمایت معنوی این ستاد ساخت مستند پیش رفت، به این معنا که این ستاد تصمیم داشت در کنار توسعه علوم و فناوری‌های شناختی، آگاهی عمومی را هم افزایش دهد. آنها در پی توسعه متوازن علوم‌شناختی در ایران هستند. در این مسیر کارهای زیادی هم انجام دادند. مثلاً یک موزه را برای آشنایی عموم مردم درباره مغز ایجاد کردند یا هفته آگاهی از مغز را هر سال در اسفندماه برگزار می‌کنند یا برنامه‌های رادیو-تلویزیونی ارائه کردند که ساخت مستند هم در همین مسیر آگاهی‌بخشی عمومی بود.

به نظر شما سازمان سینمایی چقدر می‌تواند در نقش حمایتی از فیلم‌های علمی و غیرتجاری عمل کند؟

سینمای بدنه براساس قواعد صنعت سینما پیش می‌رود و در پی سرگرمی‌سازی با اولویت‌های اقتصادی است که البته کاملاً طبیعی و درست هم هست اما گروه سینمای هنر و تجربه سازمان سینمایی شانس حمایت را برای فیلم‌های مستند و تجربی ایجاد می‌کند که قدم مثبتی برای توسعه مستندسازی و فیلم‌های تجربی در ایران است.

کاپیتان من براساس قالب سینمایی ساخته شده. بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان یک مستند تلویزیونی قلمداد کرد و تماشاگر باید آن را در تاریکی و تمرکز سالن سینما و با کیفیت یک فیلم خوب سینمایی تماشا کند. اگر ارکان سینمایی نبود فیلم‌هایی از جنس این مستند باید منتظر ارکان آنلاین می‌ماند که البته آن هم بد نیست اما این‌که فیلمی را با محتوای متفاوت علمی بر پرده عریض سینما تماشا کنیم شانسش است که توسط سازمان سینمایی مهیا شده. این مستند مانند رودخانه خروشان‌انی است که می‌آید و می‌رود فقط بخش‌هایی از آن به یاد تماشاگر می‌ماند اما این‌که شما سؤال بپرسید و یادتان باشد که دستگاه پیچیده مغز، ماشین خلق سؤال است و چگونه سعی می‌کند به سؤال‌ها پاسخ دهد، هدف ما از ساخت این مستند سینمایی است که امیدوارم دستگرمی کارهای بزرگ‌تر باشد.

قاب



«روضة شهیدان» با محمود کریمی افتتاح شد

نمایشگاه عکس «روضة شهیدان» روایتی از آیین عزاداری محرم هیأت رایت العباس در محله چیدر تهران با حضور حاج محمود کریمی مداح اهل‌بیت(ع) در گالری خانه عکاسان ایران افتتاح شد. کریمی با حضور در آیین افتتاح این نمایشگاه گفت: هر قدمی که برای امام حسین و اهل‌بیت(ع) برداشته شود، حسنه‌ای دارد که در تمام زندگی و عمر جاری خواهد بود. ثبت این تصاویر و قاب‌های حضور مردمی در هیأت کار پراهمیت و بزرگی است چرا که از هر زاویه، گوشه‌ای از عظمت امام و اهل بیت(ع) دیده می‌شود. این نمایشگاه شامل ۳۰ عکس از آثار علی اصغر داودآبادی فراهانی است که تا ۲۹ شهریورماه ادامه دارد.

داوری یک ایرانی در جشنواره ارمنستان

الیه نوبخت، داور نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «درخت زردآلو»ی ارمنستان شد. او به همراه وینست سورل، کارگردان فرانسوی و ویگنی اوتیس، هنرمند ایتالیایی فیلم‌های بخش مسابقه این جشنواره را داوری خواهند کرد.

نوبخت پیش از این داوری هجدهمین دوره از جشنواره فیلم‌های شرقی ژنو سوئیس، جشنواره فیلم زنان بیروت و همچنین جشنواره‌هایی در آمریکا، هلند، ایتالیا و... را به عهده داشته است. نهمین جشنواره بین‌المللی مستند درخت زردآلو از ۲۰ تا ۲۶ آگوست ۲۰۲۳ (۲۹ مرداد تا ۴ شهریور ۱۴۰۲) به مدت هشت روز در ارمنستان برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این جشنواره، آشنایی مخاطبان با آداب و رسوم و هنر سراسر جهان و به وجود آوردن انگیزه در فیلمسازان جوان برای ساخت فیلم‌های مستند با موضوعات قوم‌نگاری است. جشنواره دارای دو بخش مسابقه فیلم‌های بلند (۳۰ دقیقه و بیشتر) و فیلم‌های کوتاه (کمتر از ۳۰ دقیقه) است. الیه نوبخت و دو داور دیگر در هر دو بخش مسابقه، جایزه بزرگ و جایزه ویژه هیأت داوران را به برترین‌ها اختصاص می‌دهند.



فیلم کوتاه

فیلم مینا ساداتی در جشنواره «تیرانا»

فیلم کوتاه «بریدگی» به نویسندگی و کارگردانی مینا ساداتی و تهیه‌کنندگی اشکان اشکانی در اولین نمایش جهانی خود در بخش مسابقه پانورامای جشنواره بین‌المللی و مورد تأیید آکادمی اسکار تیرانا International Tirana Film Festival به نمایش درمی‌آید.

جشنواره بین‌المللی تیرانا امسال در تاریخ ۲۳ تا ۲۹ سپتامبر (۱ تا ۷ مهر) در شهر تیرانای کشور آلبانی برگزار خواهد شد.

مینا ساداتی، بازیگر سینما، اولین تجربه فیلمسازی‌اش را با این فیلم پشت سر می‌گذارد. عوامل این فیلم کوتاه عبارتند از: نویسنده و کارگردان: مینا ساداتی؛ تهیه‌کننده: اشکان اشکانی؛ بازیگران: مرجان اتفاقیان، نیما عابدی، اهورا گیلانی، جلال عباس‌نیا؛ مدیر فیلمبرداری: اشکان اشکانی؛ تدوین: عماد خدابخش؛ طراحی و ترکیب صدا: ایرج شهزادی؛ طراح صحنه و لباس: امید نجومی، مینا ساداتی؛ طراح گریم: سیامک احمدی؛ دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: جعفر نامنی؛ جلوه‌های بصری و اصلاح رنگ: سینا قوبدل، فرهاد قدسی؛ عکاس: سمیه جعفری؛ پخش: دنارسام.

